

گفتمان صلح در اشعار فروغ فرخزاد و گروس عبدالملکیان

نگار سادات معصومزاده^۱، زهرا سادات بابایی^۲

۱- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات معاصر

چکیده

ادبیات جهان دربرگیرنده متونی است که زبان جهانی داشته باشد و این زبان جهانی مفاهیم جهان‌شمول را دربرمی‌گیرد که از مرزها و فرهنگ‌ها عبور می‌کند. در ادبیات ایران نیز نمونه‌هایی از زبان جهانی در آثار شاعران متقدم و معاصر دیده می‌شود. در این پژوهش فروغ فرخزاد به عنوان یکی از برجسته‌ترین شاعران دههٔ چهل و گروس عبدالملکیان به عنوان نمایندهٔ شاعران جوان پس از جنگ و انقلاب انتخاب شده‌اند؛ در این جستار به شیوهٔ توصیفی - تحلیلی، به این سؤال‌های اساسی که آیا صلح با خویش می‌تواند مقدمهٔ صلح با پیرامون (صلح جهانی) باشد و همچنین چه مفاهیمی در آثار، قابلیت ترجمه دارند؟ پاسخ داده می‌شود. برطبق نتایج به دست آمده، درمی‌یابیم صلح با خویش در نتیجهٔ مطالعهٔ تحلیل داده‌ها، نشست و برخاست با اهالی فرهنگ و مردم دردکشیده، سفر و تحمل مصائب و رنج‌های شخصی ایجاد می‌شود و پس از صلح با خویش به صورت ناخودآگاه نیز زبان و فرم اثر در قالب درک مضامین جهانی و همدردی با تمام انسان‌ها شکل می‌گیرد.

واژگان کلیدی: ادبیات جهان، ادبیات معاصر، صلح، فروغ فرخزاد، گروس عبدالملکیان